

علم ادب باشد. علم ادب نیز بشانزده قسم تقسیم شده که هشت قسم آنها با اصول علم ادب و هشت قسم دیگر بفروع اختصاص یافته و موسوم گردیده چنانچه ذیلا اشارت میرود

« اقسام هشت گانه اصول »

(۱) علم خط - و آن عبارت است از معرفت تصور الفاظ بحروف هجا « ۱ » و کیفیت ترکیب و احوالی که باعتبار کتابت طاری می شود

« ۲ » علم لغت - و آن عبارت است از معرفت مدلولات کلمات مطلقا

« ۳ » علم تصریف - و آن عبارت است از شناختن اصولی که بدانها کمیت اینیه کلمات و کیفیت اوزان و تفریقات لاحقہ معلوم گردد

(۴) علم اشتقاق - و آن عبارت است از دانستن کیفیت رد

صیغ مختلفه باصل واحد

« ۵ » علم نحو - و آن عبارت است از معرفت کلام از حیث اعراب و بنا

« ۶ » علم معانی - و آن علمی است که شناخته میشود باو کیفیت مطابقه کلام با مقتضای حال .

« ۷ » علم بیان - و آن عبارت است از علمی که شناخته

« ۱ » هجاء بر وزن کساء پاره پاره کردن لفظ است بحروف مقطعه و نیز بمعنی شکل و مانند استعمال میشود و حروف مقطعه را از آن هجا خوانند که هر حرفی بیک شکل مخصوص کتابت میشود

میشود از او کیفیت ایراد معنای واحد بطریق مختلفه .
 «۸» «علم بدیع» و آن علمی است که شناخته میشود باو وجوه
 تحسین کلام .

(اقسام هشت گانه فروع)

- «۱» «علم عروض» - و آن عبارت است از معرفت اصولی
 که به آنها بحور و اوزان شعر معلوم میگردد .
 «۲» «علم قوافی» و آن عبارت است از شناختن اصولیکه
 احوال قافیه از آنها علوم میگردد .
 «۳» «علم تقریض یا تقریظ» و آن عبارت است از دانستن
 کیفیت انشاء شعر .
 «۴» «علم امثال» و آن عبارت است از دانستن امثال و
 اقوال سائره از شعر و نثر .
 «۵» «علم دواوین» و آن عبارت است از معرفت اشعار
 مدونه و تراکیب مصنوعه باعتبار ترکیب و معنی و اعراب و بنا و
 سایر رموز و اشارات و لطایف و مناسبات .
 «۶» «علم انشاء» و آن عبارت است از دانستن کیفیت اخبار
 مرغایب را بدانچه در ضمیر باشد بعبارات پسندیده و مراعات امور
 معهوده بین نویسندگان .

«۷» «علم استیفا» و آن عبارت است از معرفت قوانینی که

بدان کیفیت و کمیت محاسبات دیوانی و غیره معلوم گردد .

«۸» «علم محاوره یا محاضره» و آن عبارت است از معرفت